

ابیوردی: لهجه ای ترکی در ایران

سۆزوموز استاد محترم مهران بهاری

لهجه اییوردی (بولوردی - ابولوردی) زبان ترکی، لهجه ترکان اییوردی ساکن در استان فارس است. خاستگاه اصلی اییوردیها اطراف شهر ترک دره گز در خراسان (کلات اییورد) است. لهجه اییوردی علی رغم سکونت متکلمینش در جنوب ایران، یکی از لهجه های خراسانی زبان ترکی و یا دقیقتر لهجه ای گذری بین لهجه های خراسانی و آذربایجانی زبان ترکی بشمار می آید.

(لهجه ترکی رایج در منطقه در گز خراسان، خود بسیاری از خصوصیات لهجه های آذربایجانی را از خود نشان میدهد و علاوه بر آن، سکونت اییوردیها در استان فارس که زبان ترکان ساکن در آنجا از جمله اتحادیه طوائف ترکی قشقائی جزئی از گروه لهجه های آذربایجانی زبان ترکی است، باعث پررنگتر شدن ویژگیهای آذربایجانی در این لهجه خراسانی زبان ترکی گردیده است). جمعیت تقریبی ترکهای اییورد در سال ۱۹۵۵ بین ۳۵-۳۰ هزار تن برآورد شده است. بنابراین تعداد اییوردیهای امروز- با توجه به جمعیت ایران در سال ۱۹۵۶ که کمتر از ۱۹ میلیون و در سال ۲۰۰۳ بیش از حدود ۶۵،۵ میلیون نفر بوده است- رقمی بین ۱۲۵-۱۰۵ هزار تن میباشد.

درباره لهجه اییوردی زبان ترکی، پرفسور عثمان ندیم تونا مقاله مفصلی بنام Ebiverdi: İran' da bir Türk diyalekti (ابیوئردی: ایراندا بیر تورک دییالئکتی - اییوردی: لهجه ای ترکی در ایران) نگاشته است. مقاله مذکور حاوی یک مقدمه مختصر در باره اییوردیها، بخشی مفصل در باره خصوصیات لهجه اییوردی زبان ترکی، نمونه هایی چند به لهجه اییوردی و یک لغتنامه میباشد. ترجمه ای از خلاصه بخش مربوط به خصوصیات زبانی لهجه اییوردی این مقاله همراه با اندک اضافاتی، در کتاب "سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی" (دکتر جواد هئیت) آورده شده است. در ایران نیز در باره اییوردیها کتابی بنام "از باورد تا اییورد فارس" (تالیف مظفر قهرمانی، نشر فرهنگ و هنر شیراز، سال ۱۳۳۵ چاپ شده است).

در زیر نخست ترجمه خلاصه ای از مقدمه مقاله مذکور پروفیسور عثمان ندیم تونا توسط خودم و سپس ترجمه و تلخیص بخش مربوط به خصوصیات زبانی لهجه اییوردی از این مقاله، انجام شده توسط دکتر هئیت را میآورم. تمام توضیحات داخل []، همچنین پانوشتها از من است. در مقابل هر کلمه و یا عبارت و جمله ترکی، در [] نخستین، تلفظ آنرا در لهجه اییوردی با الفبای لاتین و در [] دوم، تلفظ آن را در ترکی معیار با هر دو الفبای لاتینی و عربی داده ام، در مواردی که تلفظ کلمه مربوطه در هر دو لهجه اییوردی و ترکی معیار یکسان بوده است، تنها به ذکر یکی بسنده نموده ام.

ایبوردی: لهجه ای ترکی در ایران

پرفسور عثمان ندیم تونا (ایبوردی: Ebiwerdi: İran'da bir Türk diyalekti (ایبوردی: ایراندا بیر تورک دییالکتکی)

از نخستین منابع تاریخی که باره ایبوردیها به عنوان گروهی قومی نام برده میشود اثر دوپره به نام Dupre, Voyage en Perse, fait dans les années 1808, 1807 et 1809, Paris, 1819 است. وی درباره ایبوردیها چنین میگوید: "در فارس ساکن اند، تقریباً ۵۰۰۰ نفرند". پس از آن اثر لیدی شل به سال ۱۸۵۶ میآید (Lady Sheil, glimpses of life and manners in Persia, London, 1856). او در قسمت طوائف منطقه فارس در باره ابول وردی ها چنین میگوید: "به تجارت مشغول اند. جمعیتشان حدود ۳۰۰۰ چادر است". طبق روایات خود ایبوردیها، اجدادشان در دوره نادر شاه افشاراز کلات ایبورد دره گز در شمال خراسان توسط داماد وی به استان امروزی فارس [در فارسستان] کوچانیده شده اند. باز طبق روایات ایبوردیها، خان قشقائی ملک منصور، از این شخص گردآوری دیوان شاعر ترکمن مختوم قلی را خواش نموده است. او نیز علاوه بر آن، دیوان مازون را هم ترتیب داده و کتابی نیز در تاریخ قشقائی تالیف و به وی تقدیم کرده است.

ترکهای ایبوردی یا بولوردی، در شرق شیراز، در غرب کازرون، در شمال تا نواحی جنوبی آباده، در مثلثی تکیه داده به راه شیراز - اصفهان پخشند. علاوه بر این، گروههای پراکنده ترکهای ایبوردی در جنوب غربی شیراز، در جنوب شرقی کازرون بین کشکولیا (به گویش خودشان اژدهاکش = اژدها اولدوره ن) و در جنوب شرق آن بین شش بلوکیها (به گویش خودشان شیش بایلی = شیش باغلی)، بین دره شوریه و در شمال شرق کازرون بین امله ها - عمله ها از قشقایها، هم به شکل گروههایی مستقل یافت میشوند. متراکمترین منطقه سکونت ایبوردیها، سرحد چار دؤنگه در پیرامون قصبه حسن آباد در جنوب شهر اقلید و در استقامت میان دو قصبه دزکرد و ده بید میآید. این منطقه محل قشلاق آنهاست. [در سالهای ۱۹۵۰ - پنجاه سال پیش] این منطقه شامل بیش از بیست ده، پنج قصبه و یک شهر (جدول نو، لاله گون، کناس و ...) بوده است. از شش گروه ترک ساکن در چهار دؤنگه، چهار گروه منسوب به ایبوردیها و دو گروه نیز منسوب به قشقای میآید. [در سالهای ۱۹۵۰ - پنجاه سال پیش] به غیر از مثلث فوق، در شمال غربی شیراز حدود ۳۰۰۰ نفر، در دهات و روستاها با حفظ وابستگی طائفه ای ۳۰۰۰ تن و در میان قشقایها حدود ۲۰ - ۱۵ هزار نفر ایبوردی زندگی مینموده اند. در میان [اتحادیه طوائف ترکی] قشقایها به تقریب ده درصد از هر کدام از کشکولیا و دره شوریه و پانزده درصد از هر کدام از امله و شش بلوکیها را ترکان ایبوردی تشکیل میدهند. گروهی از ترکهای ایبوردی که در محله های شمال شرقی شیراز ساکنند، دارای پیوندهای طائفه ای با ترکهای "بهارلو" و "نفر" از اتحادیه طوائف ترکی خمسه [بئش اویماق] که در خارج شیراز و در همان استقامت ساکن میباشند.

ترکی ابیوردی

دکتر جواد هئیت: "کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی". (ترجمه و تلخیص بخشی از مقاله ابیوردی: ایراندا بیر تورک دییالکتکی، به قلم پروفیسور عثمان ندیم تونا همراه با اندک اضافاتی)

ترکی ابیوردی زبان مادری ایرانیانی است به همین نام که در ایالت فارس زندگی میکنند. محل سکونت آنها در مثلثی است در غرب شیراز و شرق کازرون و جنوب آباده در حوالی راه شیراز-اصفهان. بیشتر ابیوردیها در حد چهار دونه که قشلاق آنها است زندگی می کنند. در این منطقه ابیوردیها همسایه قشاقیها هستند و بیشتر در قصبه های جدول نو، لاله گون، کناس و همچنین در دهات (۲۰ ده) زندگی میکنند. عده ای هم در محلات شرقی شیراز ساکن میباشند. تعداد آنها در حدود ۶۰،۰۰۰ نفر میباشد و به نظر میرسد اجداد آنها در زمان نادرشاه از کلات ابیورد اطراف درگز خراسان به این منطقه کوچیده اند. شباهتی که در لهجه ابیوردیها و ترکی خراسانی موجود است این روایت تاریخی را معتبر میسازد.

ویژگی ترکی ابیوردی:

مصوتها

در لهجه ابیوردی از نظر فونتیکی سه ویژگی زیر به طور بارز دیده میشود. به طور خلاصه مخرج 1 = ای، ü = او و ö = او حذف و به شکل زیر تغییر یافته اند:

- ایی [i] تبدیل به ای [e] شده. مثلا بچاق [beçaq] (کارد) به جای بیچاق [biçaq]، قنچ [qeq] (پا) به جای قیچ [qıç]، قشلاق [qeşlaq] به جای قیشلاق [qışlaq]، قنزئل [qezel] (طلا) به جای قیزئل [qızıl]، سنجان [seçan] (موش) به جای سیچان [sıçan]، دئرناق [demaq] (ناخن) به جای دیرناق [dımaq] و سئغئر [seğer] (گاو) به جای سیغئر [sığır].... به نظر میرسد این تغییر تحت تاثیر زبان فارسی ایجاد شده است

- مخرج او [ü] تبدیل به ایی [i] شده است. مثلا گین [gin] (روز) به جای گون [gün]، کیسمق [kisməq] (قهر کردن) به جای کوسمک [küsmək]، سید [sid] (شیر) به جای سوت [süt]، دیگی [digi] (برنج) به جای دوگو (دویو) [düyü]، ایچ [iç] (سه) به جای اوچ [üç]، ایز [iz] (صد) به جای یوز [yüz]، ایسد [isd] (بالا) به جای اوست [üst]....

- مخرج او [ö] تبدیل به ای [e] شده است. مثلا چیره ک [çerək] (نان) به جای چوره ک [çörək]، گنبه ک [gebək] (ناف) به جای گویه ک [köpək]، گئینگ [geynəg] (پیراهن) به جای گوینه ک [köynək]، کئپه ک [kepəg] (سگ) به جای کویه ک [köpək]، گنز [gez] (چشم) به جای گوز [göz]، گنزله ل [gezəl] (زیبا) به جای گوزله ل [gözəl]، دئرد [derd] (چهار) به جای دورد [dörd]، انز [ez] (خود) به جای اوز [öz]، سئز [sez] (سخن، کلمه) به جای سوز [söz]، آلمک [elmək] (مردن) به جای اولمک [ölmək]. به نظر میرسد این تغییر نیز تحت تاثیر نفوذ زبان فارسی ایجاد شده است.

غیر از ویژگیهای اساسی فوق تغییرات زیر در فونه تیک لهجه ابیوردی دیده میشود:

- کشیدگی اصوات مانند ترکی قدیم حفظ شده و در پاره ای از موارد نسبت به معانی کلمات بلند و کوتاه است. مثلا: ایچ [iç] (درون)، با تلفظ کشیده [iç]- (سه) [üç]، ایز [iz] (چهره) و ایز با تلفظ بلند [iz] (صد) [yüz]، اچ [aç] (باز کن)، اچ با تلفظ بلند [āç] (گرسنه) [ac].

- در موارد دیگر: آق [āq] (سفید) [ağ]، قار [qār] (برف) [qar]، قارنن [qāren] (شکم) [qarn]، داغ [dāğ] (کوه) [dağ]، دار [dār] (تنگ) [dar]، داش- [dāş] (سنگ) [daş]، داد [dād] (مزه) [dad]، بئش [bēş] (پنج) [beş]، بئر [bīr] (یک) [bir]، ایش [iş] (کار) [iş]، دیش [diş] (دندان) [diş]، قئش [qēş] (زمستان) [qış]، گز [gēz] (چشم) [göz]، از [ēz] (خود) [öz]، بورن [bōren] (بینی) [burun]، سوو [sūv] (آب) [su]، دوز [düz] (نمک) [duz]، کین [gīn] (روز) [gün]. در کلمات فوق مصوت هجای اول، کشیده و بلند است.

- مصوتهای بلند هجاهای بعد از ریشه در مخرجهای تنگ از بین رفته ولی در مخرجهای آ [ā] = و ا [a] = دیده میشود. مثلا انیران [eyrān]- (دوغ) [ayran]، سوغان [soğān]- (پیاز) [soğan]، اوزاق [uzāq]- (دور) [uzaq]، اییامان [iyamān]- (بد) [yaman]، ایلان [ilān]- (مار) [ilan]، دوه [dōvə]- (سئر) [dövə]، ..

- مخرج او [u] در هجای ریشه بعضا بعد از صامت تبدیل به او [o] میشود. مثلا: بوژن [boren] (بینی) به جای بورون [burun]، قولاق [qolāq] به جای قولاق [qolaq]، قولنج [qolenc] به جای قولنج [qulunc]، قوزئ [qoze] (بره) به جای قوزو [quzu] (ئ = کسره = e)

- مخرج ا [a] در برابر ی [y] تبدیل به کسره [e] میشود: انیران [eyran] (دوغ) به جای ایران [ayran]، قئیین [qeyin] (برادر زن یا شوهر) به جای قاییین [qayın]، ایاق [əyaq] (پا) به جای ایاق [ayaq]، قئیرمق [qeyriməq] (ساختن) به جای قاییرماق [qayırmaq]، قئیماق [qayımāq] به جای قایماق. این تغییر در لهجه تبریز نیز دیده میشود.

- قانون هماهنگی مصوتها چندان رعایت نمیشود. مثلا به جای باتمان [batman] (من) [batmən]، به جای دوخسان [doxsan] (نود) [doqsən]، به جای هارا [hara] (کجا) [harə] و به جای سونرا [sonra] (بعد) [sorə] سوره [sorə] گفته میشود. همچنین به جای آلتی [alti] (٦) [altı] (با کسره) [alte] به جای هانی [hani] (کو) [hane]، به جای هانکی [hankı] (کدام) [hange]، به جای قارشئ [qarşı] (مقابل) [qarşə] گفته میشود.

- در مخرجهای گردلایی نیز هماهنگی وجود ندارد: بورن [boren] (بینی) به جای بورون [burun]، بولنتی [bulenti] (تهوع) به جای بولانتی [bulanti]، فوزی [quze] (بره) به جای فوزو [quzu].

مصمتها:

- از مصمتها (م) معمولا در وسط و یا آخر کلمات ترکی دیده میشود. در اول کلمات فقط در دو کلمه من و مین (هزار) دیده میشود
- و (واو) [v] نیز در چند کلمه مانند وار [vār] (هست) [var]، وارمق [vārməq] (رفتن) [varmaq]، وورمق [vorməq] (زدن) [varmaq] دیده میشود.
- ژ، ف در کلمات بخیل دیده میشود.
- ن غنه [ñ] (نگ) در آخر بعضی کلمات موجود است: هانگی [hañe] (کدام) [hangı-hankı]، دونگوز [doñuz] (خوک) [donuz].
- ق، غ و گ هر سه موجود است. (مانند آذری [*]).
- ک بین مصوتهای کلفت مشدد میشود و به ق تبدیل میشود. مثلا: ساکنز [sakqez] (۸) به جای سکیز [səkkiz]، ساکقال [sakqal] (ریش) به جای ساققال [saqqal].
- ق (ک ترکیه) در وسط و یا آخر کلمه در مجاورت مصوتهای کلفت اغلب به خ تبدیل میشود. باخ [bax] (بین) ، قورخ [qorx] (بترس)، ایباچی [yaxçı] (باخشی) (خوب)، آرخالوخ [arxalux] [arxalıq]، ایگرمی [igirmi] (۲۰) به جای ییگرمی [yirmi]، در ترکی ایران و ترکیه م.ب.، ایلان [ilan] (مار) به جای ییلان [yılan]، ایز [iz] (صد، چهره) [yüz]، اولدوز [ulduz] (ستاره) [yıldız]، (مانند آذری [*]).
- مانند آذری [*] در بعضی موارد تشدید موجود است: ایکی [ikki] (دو) [iki]، ساکنز [sakqez] (۸) [səkkiz]، دوکقنز [dokqez] (۹) [doqquz]، اوتتنز [ottez] (۳۰) [otuz]، اشساقئ [eşşaqe] (پایین) [aşağı]، ایششق [eşşəq] (خر) [eşşək]، نه ممه [nəmmə] (چه) [nəmə].
- بعضا مانند آذری [*] اسیمپلاسیون دیده میشود: ایسی [issi] (گرم) [ı]، ایسیندی [issinde] (رویش) به جای اوستونده، اوننن [onnən] (از او) به جای اوندان [ondan].
- گاهی هم متاثر دیده میشود: ارواد [arvad] (زن) به جای عورت [torpaq]، تورپاق [torpaq] به جای توپراق [topraq] (مانند آذری [*]).

پسوندها

- پسوندها اغلب اوقات به يك شکل بوده و تابع قانون هماهنگی اصوات نیست. مثلا:
- نان (بوسيله) به جای ایله، لا [۳]
- چی [çe] به جای چی، چو [çı, çu] (پسوند شغل و فاعل): ایبالانچی [yalançı] (دوروغگو) [yalançı]، دن، نن (از)، اینان (با)، ائم (ملکی)، عمرئم [omrem] (عمرم) [ömrüm]، لر، نر (علامت جمع)، لی (پسوند صفت): آداخلی [adaxlı] (نامزد) [adaxlı]، دادالی [dadlı] (بامزه) [dadlı]، اینی، نی [genitive] [iny, ny]، آئینی [atiny] (اسبت) [atın]، سنز [sez] (بدون) [sız]: قاش سنز [qaşsez] (بدون ابرو) [qaşsız]، دی [de] به جای دیر [dir] (است). گنزه لدی [gezeldi] (زیبایست) [gözəldir].
- آن (پسوند فاعلی) [participle]: گنیران [gətiran] (آورنده) [gətirən]،
- فتحه [ə] = (پسوند ارزو): قونه م [qonəm] (فرود بیایم) [qonam]، اوچه م [uçəm] (پرواز کنم) [uçam]، اوله م [oləm] (بشوم) [olam].
- ار [ər] (پسوند مضارع): چکر [çəkər] (میکنشد)، گنده ر [gedər] (میروند)، دییه ر [diyər] (میگوید)، گینان [ginan] (پسوند امر): الگینان [] (بگیر)، گل گینان [gəlginən] (بیا)، مه (پسوند نفی): آلمه [almə] (نگیر) [alma]، وورمه [vurmə] (نزن) [vurma]، مق [açmaq] (پسوند مصدر): آچمق [açmaq] (باز کردن)، آغله مق [ağləməq] (گریه کردن) [ağlamaq]، اپارمق [aparmaq] (بردن) [aparmaq]، سه (پسوند شرط اگر): قالسه [qalsə] (اگر بماند) [qalsa]، اولسه [olsə] (اگر بشود) [olsa].

حالات مختلف اسم و ضمیر عبارتند از:

- حالات اسمی nominative: من، سن، او، بیز، سبیز، اوللر [onlar] (من، تو، او، ما، شما و ایشان)
- حالت ملکی، اضافه genitive: منیم، سنینی [sənin] [səninny]، اونینی [onun] [oniny]، بیزئم [bizim] [bizem]، سبیزینی [sizin] [sizinny]، اوللرینی [onların] [ollərinny].
- حالت عطف dative: منه، سنه، اونه، بیزه، سبیزه، اوللره [ollərə] [ollərlə].
- حالت مفعول فيه locative: منده، سننده، اونده [ondə]، بیزده، سبیزده، اوللرده [ollərdə] [ollərdə].
- با (نان): منیم نان [mənimnən] [mənimnan]، سننی نان [səninən] [səninnan]، اوننی نان [onny] [onnyan]، بیزیم نان [bizimnən] [bizimnan]، سبیزی نان [sizinən] [sizinnyan]، اوللریننان [ollərinən] [ollərinnyan].

صرف افعال: فعل کلمك (آمدن)

- حال: (میآیم، میآینی، میآید، میآییم، میآیید، میآیند).
گلی یزره م [gəliyerəm] [گلییره م-gəliyəm]، گلی یزرنی [gəliyereny] [گلیرسن-gəliresən]، گلی یئر [gəliyer] [گلیر-gəli]،
گلی یزرنك [gəliyerək] [گلیریك-gəlirik]، گلی یئرئز [gəliyerez] [گلیرسینیز-gəliresiniz]، گلی یئرلر [gəliyerlər] [گلیرلر-gəli] [gəli] [گلیرلر-gəli]

- ماضی مطلق: (آمدیم، ...)
گلدئم [gəldəm] [گلدیم-gəldim]، گلدنئی [gəldeney] [گلدین-gəldin]، گلدئ [gəldə] [گلدی-gəldi]،
گلدنك [gəldək] [گلدیک-gəldik]، گلدنئیز [gəldenyiz] [گلدینیز-gəldiniz]، گلدنلر [gəldelər] [گلدیلر-gəldilər] [gəldilər]

- ماضی استمراری: (میآیدم، ...)
گلی یردئم [gəlyerdim] [گلیردیم-gəlirdim]، گلی یردینئ [gəlyerdiny] [گلیردین-gəlirdin]، گلی یردئ [gəlyerde] [گلیردئ-gəlirdi]،
گلی یردیک [gəlyerdik] [گلیردیک-gəlirdik]، گلی یردینیز [gəlyerdiniz] [گلیردینیز-gəlirdiniz]، گلی یردیلر [gəlyerdilər] [گلیردیلر-gəlirdilər]

- ماضی بعید: (آمده بودیم، ...)
گلمیشدئم [gəlmişdəm] [گلمیشدیم-gəlmişdim]، گلمیشدنئی [gəlmişdeney] [گلمیشدین-gəlmişdin]، گلمیشدئ [gəlmişde] [گلمیشدی-gəlmişdi]،
گلمیشدنك [gəlmişdek] [گلمیشدیک-gəlmişdik]، گلمیشدینیز [gəlmişdeniz] [گلمیشدیلر-gəlmişdilər] [gəlmişdilər]

- آینده: (میخواهم بیایم، ...)
ایسدرئم گلیم [isderəm gəlim] [ایستیره م گلیم-istirəm gəlim]،

- امر: (بیا، بیائید)
گل گینان [gəlginan] [گلگینان-gəlginən]، گل، گلینیز [gəlginyez] [گلینیز-gəliniz]

خلاصه

ترکی ابیوردی لهجه ای است از لهجه های ترکی ایران که به ترکی خراسانی بیش از آذری [*] نزدیک است و دارای ویژگیهای زیر میباشد:
- به جای مخرج ای-1 و اؤ-، مخرج کسره- بکار میرود.
- مخرجهای بلند ترکی قدیم به طور قابل ملاحظه ای باقی مانده اند.
- هماهنگی اصوات خلفی palatin کلا و اصوات گرد اکثراً وجود ندارد. پسوندها اکثراً دارای يك شکل میباشد.
- از نظر لغوی کلمات دخیل فارسی و تا حدی مغولی قابل توجه است.

[*] منظور "ترکی آذربایجانی" است. از آنجائیکه "ترکی آذری" نام دیگر "ترکی ایرانی" و یا ترکی رایج در ایران است (که شامل همه لهجه های آذربایجانی و خراسانی و سنقری و از جمله ابیوردی است)، کاربرد آذری به جای ترکی آذربایجانی خالی از اشتباه نیست. از اینرو هر جا که از آذری سخن گفته شده است میباشد به ترکی آذربایجانی اصلاح شود.
۱- کلمه "ایسی" متاتز "ایستی" نیست. اصل کلمه "ایسی" که مشدد شده میباشد و نه "ایستی" رایج در بعضی لهجه ها.
۲- "ارواد" ترکی متاتز "عورت" عربی نیست. در ریشه شناسی کلمه ارواد ترکی، "اوراقاد" ترکی-مغولی پیشنهاد شده است.

۳- ایله-lə، ایلن-لن، ilən-lən، اینن-نن، inən-nən هر چند از ریشه مشترک، سه فرم جداگانه موجود در زبان ترکی معیار در ایرانند که میتوانند به موازات هم بکار روند. مثلاً "با تو" را در ترکی نوشتاری میتوان به اشکال زیر نوشت: سن ایله-lə، سن اینن-نن، sən inən، سنلن-لن، sən lən، سننن-نن، sən nən

posted by 10:35 PM